



معاونان اول سه قوه در ساختمان دولت

در جلسه مشورتی معاونان اول سه قوه که به میزبانی معاون اول رئیس جمهوری برگزار شد، سه طرف بر توسعه تعاملات در مسیر تحقق برنامه هفتم توسعه و رفع مشکلات جاری کشور تاکید کردند. این جلسه که اولین نشست هماهنگی بین معاونان اول سه قوه بود، دکتر عارف معاون اول رئیس جمهوری، با اشاره به تجربیات گذشته درباره تعامل بین قوا و نتیجه این همفکری‌ها در حل مسائل کلان کشور و دستاوردهای آن، بر برگزاری این جلسات همفکری و بهره‌گیری از تجربیات گذشته در جهت...

صفحه ۲

مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ - ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴ - سال بیست و سوم - شماره ۶۲۵۳ - صفحه ۱۲ - ۱۰۰۰۰ تومان

معادلات دریای سرخ تغییر کرد

شلیک یمن به قلب اسرائیل

صفحه ۱۱



عضو شورای شهر تهران خبر داد

مفقود شدن ۳۰ تابلو هنری موزه امام علی (ع)

صفحه ۴

زاکانی؛ موثر یا مانعی

در برابر دولت

گروه سیاسی - فهیمه جهازیان: همواره تهران در طول سده‌های گذشته که محل پایتخت دولت‌های مستقر در کشور بوده است، به عنوان دژی مستحکم که در دامنه‌های رشته کوه البرز قرار گرفته، به عنوان یکی از مهمترین شهرهای ایران شناخته می‌شد. امروز نیز به دلیل...

صفحه ۲

فلسفه و اصالت

وفاق ملی

گروه سیاسی - امین جمشیدزاده: دکتر مسعود پزشکیان و نزدیکان او در کابینه چهارم از گفتمان «وفاق ملی» برای دولت کنونی و راهبرد سیاسی آن استفاده می‌کنند که بسیار بجا و منطقی و در واقع می‌شود از آن به عنوان تعامل در همه سطوح و آشتی ملی یاد کرد. وفاق ملی در واقع...

صفحه ۲

ناترازی در انرژی

پاشنه آشیل تولید در ایران

گروه اقتصادی - محمدرضا حقسی: افزایش بی‌حد و حصر انرژی در ایران ناترازی‌های بسیاری را در حوزه‌های مختلف ایجاد کرده است. ناترازی در تولید و مصرف برق و گاز چالش‌های جدی را بر سر راه تولید کشور نیز ایجاد کرده است، بطوریکه فعالین در حوزه تولید از افت تولید به دلیل...

صفحه ۲

تصمیم غلط مسکو

درباره زنگزور

زنگزور؛ نقطه‌ای کوچک در جنوبی‌ترین بخش کشور ارمنستان در استان سیونیک که از راست با جمهوری آذربایجان، چپ با نخجوان آذربایجان و جنوب با ایران همسایه است. قفقاز جنوبی و زنگزور جایستی که عمده بازیگران در آنجا تقریباً بر خلاف روال گذشته خود در حال نقش آفرینی هستند. دعوی اصلی بر سر این است که جمهوری آذربایجان می‌خواهد از این باریکه به بخش جدای خود نخجوان متصل شود و از آنجا به ترکیه، جدای از جدا شدن...

صفحه ۱۰

سر مقاله

راحل دینی وفاق ملی در دولت پزشکیان

جهانگیر محمودی نژادیان*
قسمت پایانی

سیاسی و اجتماعی از مذاهب و ادیان و قومیت‌ها و همچنین از جریان‌های اسلامی و غیراسلامی است. از این رو در جایی که خطر استحاله نظام وجود داشته باشد نقش ولایت مطلقه فقیه و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بارزتر خواهد شد. متأسفانه برخی از جریان‌های اصولگرا که معروف به جریان خالص‌ساز هستند، کاسه داغ‌تر از آش بوده و می‌خواهند با جوسازی و شش‌تاز حتی رهبری را در چالش قرار دهند تا نتوانند بر پایه مصالح نظام از هر جریانی که مصلحت می‌داند استفاده کنند. هر چند بخش معقول اصولگرایان با درک صحیح از نگرش پراگماتیستی و مصلحت‌اندیش رهبری همان خط مشی رهبری را پی می‌گیرند، اما خطر تندروی جریان خالص‌ساز می‌تواند بسیار مشکل آفرین باشد.

بنابراین هر فرد یا جریانی که حقیقتاً قصد دارد در مسیر نفاق یا ظاهر اسلامی که چهره شدیدا مذهبی دارد قرار بگیرد، چهره‌هایی که مظهر نفاق بوده و ممکن است از عوامل آمریکا و اسرائیل و انگلیس باشند، لازم است نگرش خویش را تغییر داده و مصلحت نظام را که بر پایه دولت مدرن قرار داده شده بشناسند و بکوشد تا به معنای واقعی در جهت صحیحی از نگرش و مصلحت شناسی رهبری داشته باشد که نمونه آن زمینه‌سازی برای موفقیت دکتر پزشکیان از طریق چنین نامردها و مراقبت دقیق از صندوق‌ها بود. علی‌هذا هر فردی از اصولگرایان در صورتی از خط نفاق و تهمت فاصله خواهد گرفت که در مسیر درک درست از دولت مدرن و نگرش رهبری قرار گیرد.

مجدداً تاکید می‌کنم در نظامات جدید و در دنیای نوین بدون مشارکت تمامی ارکان و گروه‌ها و احاد ملت از هسر عقیده و باور و نژاد و زبان و دینی امکان مراقبت از کشور وجود ندارد. زیرا نظام ملت، دولت یا دولت مدرن خصوصاً با عنایت به وجود نقش مهم ملت در رای دادن یا حتی رای ندادن عواقب و نتایجی در اداره و سیاست کشور به وجود می‌آورد که بدون توجه به آن خطرات مهم و ویرانگری کشور را تهدید می‌کند. خطراتی چون فعال شدن شکاف‌های طبقاتی، شکاف‌های قومیتی، شکاف‌های مذهبی و عقیدتی و انواع شکاف‌ها که می‌تواند به شکل متراکم در آمده، کشور را دچار بحران‌های سهمگینی نماید.

لذا فقدان دولت مدرن یا فقدان اجرای کامل آن و رویکرد به نظام حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی نیز به جای حل مشکل، برآن خواهد افزود.

مشکل بزرگ

اما مشکل بزرگ این است که برخی بر درک و فهم از مفهوم ولایت مطلقه فقیه و نظریه مصلحت نظام نازل وارونه زدن و برداشستی از آنها ارائه دادند که دقیقاً در نقطه مقابل دولت مدرن است. دو دسته برخی از درون‌هوداران نظام و برخی از بیرون (هوداران جمهوری سکولار یا سلطنت طلب‌ها) براین مفاهیم تاخته یا مفهومی‌سازی‌هایی دقیقاً استبدادی، ارتجاعی و دیکتاتوره از آن ارائه نمودند. مفهومی‌سازی‌هایی که به شدت در تضاد با

جریاناتی مانند حزب توسعه، چریک‌های فدایی خلق اکثریت، جنبش مسلمانان مبارز دکتر پیمان و غیره نیز چون حزب جامای دکتر کافم سامی همگی مجاز برای فعالیت بوده و اصل بنیادی در همه این اقدامات قبول و تعهد به نظام جمهوری اسلامی و دولت مدرن آن بود و اگر هدفی غیر از این در میان بود قطعاً از همان ابتدا می‌توانست به هر نحو از جمله سرکوب مانع حضور آنان شود. از این روی تا هنگامی که ظاهراً خود را همسو با نظام نشان می‌دادند روش امام مامشات با آنان بود. اما با جریانات تجزیه طلب قومی یا گروه‌هایی که خواهان سقوط نظام بودند چون منافقین، پیکار، چریک‌های فدایی خلق اقلیت مخالف بوده و اجازه حضور آنان را نمی‌داد. ولی با جریانات دگر اندیشی چون احزاب و گروه‌هایی که قبلاً از آنها نامبرده شد، مخالفت نمی‌نمود و فضای سیاسی به حدی گسترده بود که مثلاً حزب توده خود را پیرو خط امام می‌خواند.

زیرا سرمایه اجتماعی Social capital که اساس دولت مدرن Nation State برای وفاق ملی است بدون برابری سیاسی و اجتماعی همه قومیت‌ها و ادیان و مذاهب و تحمل همه جریانات مسلمان و غیر مسلمان و اجباری کامل حقوق آنان که از لوازم بنیادین دولت مدرن است به وجود نمی‌آید اما بی‌تردید باید میان جریاناتی که راه سقوط نظام را می‌روند یا در پی تجزیه کشور هستند با کسانی که می‌خواهند حضور سیاسی و اجتماعی در چارچوب وفاق ملی داشته باشند تفاوت قائل شد و آن تعهد عملی به قانون اساسی خصوصاً اصل ولایت مطلقه فقیه و نظریه مصلحت نظام است که جان مایه قانون اساسی و دولت مدرن اسلامی و اساس وحدت ملی است.

اما چنانچه بیان شد معتقدان به اسلام و به نظام توسط امام خمینی(ره) و جانشینان برحق و برجسته‌اش پاسخ را در نظریه و فلسفه ولایت مطلقه فقیه و نظریه «مصلحت» دریافت کرده‌اند. امری که در بازنگری قانون اساسی در قالب قوانین ولایت مطلقه فقیه و مجمع تشخیص مصلحت نظام تبلور یافت. بر پایه نظریه مصلحت نظام ضمن ارشاد جریانات سیاسی و گروه‌های فعال اسلامی و غیراسلامی در جهت هدف‌های اسلامی و منافع ایرانی توسط رهبری و نهادها و ارگان‌های مربوطه، کنترل سیاسی این جریانات در راستای حفظ و همچنین مصالح نظام صورت می‌پذیرد. پدیده‌هایی چون شورای نگهبان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و غیره برای همین هدف در نظام تمییه شده‌اند. البته این شیوه کنترل و ارشاد حتی در دموکراتیک‌ترین حکومت‌های جهان به واسطه سازوکار ویژه‌ای صورت می‌پذیرد که البته فرصت طرح آن در این نوشتار نیست.

با این توصیف برپایه نظریه مصلحت نظام بسته به تشخیص رهبری و گاه مجمع تشخیص مصلحت نظام قبض و بسط لازم برای حضور جریانات مختلف سیاسی در راس قدرت صورت گرفته و صورت خواهد گرفت و لازمه آن در مرتبه نخست و بسط کلی برای فعالیت همه گروه‌ها و جریانات

نایب رئیس اتحادیه تولید کنندگان و صادر کنندگان محصولات معدنی ایران:

خسارات وارده به شرکت‌های صنایع معدنی قابل تخمین نیست



صنایع ایران با چالش جدی انرژی مواجه شده‌اند که تأثیرات منفی قابل توجهی بر تولید و اقتصاد کشور گذاشته است. قطعی‌های مکرر برق در تابستان ۱۴۰۳ منجر به کاهش چشمگیر تولید در بخش‌های مختلف صنعتی شده است. در صنعت سیمان، تولید تا ۷۰ درصد کاهش یافته است؛ این کاهش تولید و افزایش قیمت، تأثیر منفی بر صنعت ساخت‌وساز گذاشته است.

کامران وکیل، نایب رئیس اتحادیه تولید کنندگان و صادر کنندگان محصولات معدنی ایران، با اشاره به ضررهای تحمیل شده به صنایع از بابت قطعی برق گفت: ناترازی انرژی یکسببه به وجود نیامده است که سیاستگذار، برنامه‌ریز و نهاد حاکمیتی ناگهان با این امر مواجه شوند و بگویند شرایط پیش آمده را پیش‌بینی نکرده بودند؛ با توجه به مجوزهای صادر شده، مصرف تقریبی انرژی در کشور، روند افزایش آن و... از اوایل دهه ۱۳۹۰، کارشناسان هشدار داده بودند و به‌طور خاص برای صنایع معدنی این دغدغه مطرح بود که استقرار صنایع معدنی در نقاط خشک و فاقد زیرساخت‌هایی مانند گاز و آب، در درسامز خواهد شد، اما متأسفانه هیچ دولتی به این هشدارها توجه نکرد.

او افزود: خاطر همست در زمان آقای نعمت زاده به دیدار مسئولان رفتم و افق تیره ۱۴۰۴ را ترسیم کردیم و این هشدار را دادیم که برای تولید ۲۰ میلیون تن فولاد نه سنگ‌آهن آن را خواهیم داشت و نه برق، گاز و آب مورد نیاز را و هیچ یک از زیرساخت‌ها را نمی‌توانیم تأمین کنیم. به عقیده نایب رئیس اتحادیه تولید کنندگان و صادر کنندگان محصولات معدنی ایران، با شرایط به وجود آمده، صنایع معدنی کشور با معضلات بسیار بزرگتری مانند فرونشست دشت‌ها مواجه هستند که ابداً هیچ راه‌حلی ندارد و یکسری چالش‌های ملی است که با نگاه

نگاه ملی باید آنها را بررسی کرد. نگاه بنگاهی به اقتصاد ملی بلاهای بزرگی را بر سر کشور آورده است. بحث کمبود منابع انرژی در چند دهه اخیر به وجود آمده و اصلاح آن نیز نیازمند زمان طولانی خواهد بود. براساس اظهارات بنگاه‌های صنایع معدنی، در مجموع میزان خسارات وارده به شرکت‌های صنایع معدنی، حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان است ولی به

تعبیر من خسارات ایجاد شده بسیار بیشتر از این مقدار است. این آمار تنها براساس مقدار محصولی که در این بازه زمانی می‌توانست تولید شود، محاسبه شده است ولی اگر زمان توقف کارخانه‌ای که در آن محصولات از معادن به دلیل خاموشی خط تولید و بسیاری از موارد دیگر را جمع کنیم، آسیب مالی بسیار زیاد خواهد بود. وکیل با اشاره به اهمیت مدیریت بحران بیان کرد: این بحران باید مدیریت شود و مدیریت به این معنا نیست که هر روزی که با کمبود برق مواجه شدیم، برق صنایع را چند ساعتی قطع کنیم، برای یک

کارخانه فولاد که کوره و پرسنل فعال دارد قطعی برق یکی دو ساعته، به معنای قطعی برق دو روزه است، بنابراین بهتر بود دولت مدیریت می‌کرد، جسارت به خرج می‌داد و اعلام می‌کرد فلان کارخانه فولادسازی در مرداد ماه تعطیل شود و فلان کارخانه مس شهریور ماه تعطیل شود. در این حالت آن کارخانه با استفاده از زمان سیستم‌ها را بازسازی و تغییرات مورد نیاز را اعمال می‌کرد. با نظر مدیران بخش خصوصی، خیلی بهتر می‌شد وضعیت را در شرایط پیش

آمده مدیریت کرد. **ناترازی انرژی یکسببه به وجود نیامده است که سیاستگذار، برنامه‌ریز و نهاد حاکمیتی ناگهان با این امر مواجه شوند و بگویند شرایط پیش آمده را پیش‌بینی نکرده بودند؛ با توجه به مجوزهای صادر شده، مصرف تقریبی انرژی در کشور، روند افزایش آن و... از اوایل دهه ۱۳۹۰، کارشناسان هشدار داده بودند و به‌طور خاص برای صنایع معدنی این دغدغه مطرح بود که استقرار صنایع معدنی در نقاط خشک و فاقد زیرساخت‌هایی مانند گاز و آب، در درسامز خواهد شد، اما متأسفانه هیچ دولتی به این هشدارها توجه نکرد.**

بحران انرژی در صنایع، چالشی جدی برای اقتصاد کشور است که نیازمند اقدامات فوری و برنامه‌ریزی بلندمدت است. ضروری است دولت با همکاری بخش خصوصی، استراتژی‌های موثری برای مدیریت مصرف انرژی، توسعه زیرساخت‌های تولید برق و بهینه‌سازی فرآیندهای صنعتی تدوین کند، همچنین سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های کم مصرف می‌تواند راهکاری پایدار برای مقابله با این بحران باشد. بدون اقدام جدی، صنایع ایران با خطر کاهش رقابت‌پذیری در سطح جهانی و افت تولید داخلی مواجه خواهند شد که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه خواهد داشت.